

## چکیده:

بی شک، در میان جوامع مختلف از الفاظ یا رفتارهای مختلفی هنگام ملاقات با یکدیگر استفاده می‌شود، اما دین مقدس اسلام، کلمه «سلام» را به عنوان تنها کلمه‌ای که احکام خاصی را به دنبال خود دارد، قرار داده است و بدین وسیله قصد داشته که مسلمانان در برخوردهای خود نیز دارای وحدت و نشانه باشند تا از غیر مسلمانان شناخته شوند. «سلام» که با سلامت، هم خانواده است، معنایش نفی خطر است. این شعار اسلامی که به عنوان «تحیت» ادا می‌شود، در قرآن کریم مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. بی تردید یکی از حکمت‌هایش این است که هر انسانی در زندگی دائماً نگرانی‌ها، خوف‌ها و دلواپسی‌هایی دارد و با هر کسی مواجه می‌شود، احتمال می‌دهد که از ناحیه وی ضرری به او برسد. پس اولین چیزی که در هر برخوردی مطلوب است، رفع این نگرانی است؛ یعنی انسان احساس کند که از طرف آن شخص ضرری به او نمی‌رسد. این است که در اولین برخورد بهترین چیزی که باید رعایت شود، همین تأمین دادن به طرف است که از ناحیه من به شما ضرری نمی‌رسد. بنابراین، در روابط اجتماعی اولین چیزی که باید تأمین شود سلامت و امنیت است که اگر این نباشد زندگی اجتماعی هیچ ارزشی ندارد. از این رو در موارد زیادی «سلام» با «آمین» در قرآن کریم توأم ذکر شده است (حشر/ ۲۳).

اما با کمال تأسف در جامعه ما اهتمام و توجه به این سنت کمرنگ گردیده و استفاده از کلمات دیگر برای تحیت و ابتدا به سخن بدون «سلام» در جامعه رواج یافته است. بخش مهمی از جامعه از بعضی کلمات نامناسب و بعضاً فرنگی استفاده می‌نمایند. از این رو، لازم است فوائد و اثرات مثبت این ادب اسلامی در قرآن - که ضامن خوشبختی و سعادت بشر است - مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا اهمیت این سنت شریف بیش از پیش روشن گردد.

## واژگان کلیدی:

سلام، سنت، قرآن.

تحیت و «سلام» از اموری نیستند که بعد از ظهور اسلام پدید آمده باشد، بلکه این سنت شریف از زمان خلقت حضرت آدم (ع) آغاز شد. در آیات مختلف قرآن کریم نیز تعبیراتی وجود دارد که نشانگر وجود این سنت میان پیامبران بعد از حضرت آدم بوده، از جمله آنها حضرت ابراهیم (ع) (هود/۶۹) و حضرت عیسی (ع) (مریم/۱۹) می باشد. مصادیق مختلف «سلام» در میان اقوام و ملل پیش از اسلام نیز سابقه دارد. همچنین در میان عرب جاهلی نوعی از تحیت رواج داشته، بی آنکه در کلام خود توجهی به نام خدا کرده و از او سلامت و خیری برای طرف مقابل بطلبند.

اما در آیین مقدس اسلام هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر، یک نوع تحیت خاص که همان استفاده از کلمه «سلام» می باشد، مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. از آنجا که خداوند به همه زوایای زندگی انسان آگاه است، این سنت مقدس را در دین اسلام قرار داده تا مسلمانان با گفتن این تحیت نه تنها خدا را به یاد آورند، بلکه برای طرف مقابل از او خیر و عافیت طلب کنند و اینگونه اسباب دوستی و تعاون و وحدت را بین یکدیگر گسترش دهند. در حقیقت، کلمه «سلام» که بیش از ۴۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است، نشانه عظمت این سنت شریف نزد خدای تعالی می باشد. رفیع ترین جایگاه «سلام»، نام مبارک خداوند می باشد که در آیات آخر سوره حشر همراه با هفده نام دیگر از اسماء حسنی الهی ذکر شده است. یکی از نام های بهشت نیز «دارالسلام» است (یونس/۲۵). همانگونه که ذات خداوند، نفس خیر است که هیچ شری در او نیست، بهشت را هم «دارالسلام» گفته اند؛ چرا که در بهشت هیچ شر و ضرری برای ساکنان آن وجود ندارد.

همچنین خداوند در کتاب آسمانی خویش بر پیامبران بزرگ گاه به صورت عمومی سلام می کند، و گاهی با نام و نشان (صافات). خداوند به مؤمنان نیز در حالی که به بهشت وارد می شوند، سلام می دهد (یس/۵۸) و پیامبر (ص) نیز بر مؤمنان زمانی که با آنها ملاقات می نماید، سلام می کند (انعام/۵۴). فرشتگان هم در شب قدر (قدر/۵) و هنگام قبض روح مؤمنان (نحل/۳۲) و زمانی که آنان وارد بهشت می شوند (رعد/۲۴) بر آنها سلام و تحیت می فرستند. علاوه بر آن، خود مؤمنان نیز در بهشت به یکدیگر سلام می دهند (یونس/۱۰).

تحقیق حاضر - که به روش توصیفی، تحلیلی جمع آوری شده - به «فرهنگ سلام در قرآن کریم» پرداخته که شامل؛ تاریخچه سلام، سلام نام خدا و بهشت، سلام خدا بر پیامبران (ع)، سلام خداوند و پیامبر و فرشتگان بر مؤمنان و سلام به معنای وداع می باشد.

## تاریخچه سلام در اسلام:

تحیت و درود از اموری نیستند که بعد از ظهور اسلام حادث شده باشد، بلکه این سنت شریف از زمان خلقت حضرت آدم (ع) آغاز شد، چنانچه در روایتی آمده است: «هنگامی که خداوند متعال به ملائکه فرمان داد بر آدم سجده کنند و شیطان از سجده سرپیچی کرد، خداوند متعال به شیطان دستور خروج داده او را طرد نمود و فرمود: همانا لعنت من تا روز قیامت بر تو باد! پس خطاب به آدم (ع) فرمود: به سوی گروه ملائکه برو و بر آنها بگو: «سلام علیکم و رحمه الله و برکاته». سپس آدم بر آنها سلام کرد و ملائکه در جواب گفتند: «سلام و رحمت خدا بر تو باد! سپس هنگامی که آدم به سوی پروردگار خود مراجعه کرد، خداوند فرمود: «این تحیت تو و فرزندان بعد از این می باشد»<sup>۱</sup>.

در آیات مختلف قرآن کریم نیز تعبیراتی وجود دارد که نشانگر وجود این سنت میان پیامبران بعد از حضرت آدم بوده، از جمله آنها حضرت ابراهیم (ع) و حضرت عیسی (ع) می باشد: «ولقد جائت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاما» (هود/۶۹) و «السلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیا» (مریم/۱۹).

همچنین مصادیق مختلف تحیت و سلام در میان اقوام و ملل پیش از اسلام نیز سابقه دارد. در میان عرب جاهلی نیز نوعی از تحیت رواج داشته است. تحیت اعراب جاهلی «انعم صباحا» (صبحت توأم با راحتی باد!) و انعم مساء (عصرت توأم با راحتی باد!) بود، بی آنکه در کلام خود توجهی به خداوند کنند و از او سلامت و خیری برای طرف مقابل بطلند. چنانچه این حکایت بیانگر آن است: «روزی یکی از اعراب جاهلی جهت شنیدن آیات قرآن کریم به حضور پیامبر اکرم (ص) رسید و در ابتدای سخن برای تحیت چنین گفت: «انعم صباحا» حضرت در جواب فرمود: «خداوند بهتر از آن را به ما کرامت فرموده است و آن این است که بگوییم سلام علیکم»<sup>۲</sup>.

همچنین تحیت یهود «سام علیک» بود و سام به معنای مرگ و هلاکت است. چنانچه روایت شده یهودیان خدمت پیامبر ﷺ می آمدند و می گفتند: «سام علیک» و آن حضرت عین کلام آنها را بر خودشان برمی گردانید و می فرمود: علیک، یعنی مرگ بر تو باد و مسلمانان گمان می کردند که آنها «السلام علیک» می گویند. حضرت می فرمود: «در جواب اهل کتاب، تمامی جواب ندهید، یا بگویید: سلام و قصد کنید بر مسلمین و یا بگویید: علیک و قصد کنید عذاب و مرگ و هلاکت آنها را»<sup>۳</sup>. پس خدای متعال این آیه را نازل کرد: «و اذا جئوک حیوک بمالم یحیک به الله»؛ هنگامی که آنها نزد تو می آیند به گونه ای تحیت می گویند که پروردگار به آن تحیت نگفته است<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> . بحار الانوار، ج ۷۶.

<sup>۲</sup> . سیدمحمدحسین طباطبایی، سنن النبی (ص)، ص ۶۹.

<sup>۳</sup> . سیدعبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۵۲.

<sup>۴</sup> . سوره مجادله، آیه ۸.

## سلام، تحیت بزرگ اسلامی:

یکی از نکته هایی که در آداب معاشرت در قرآن کریم مورد تأکید واقع شده، تحیت و سلام است. چنانچه خداوند در آیه ۸۶ سوره «نساء» می فرماید: «وَإِذَا حِیتِم بِحِیَوةٍ فَحِیَوُا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رَدُّوہَا...»؛ و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ آن را به طور بهتر یا (لااقل) به همانگونه پاسخ گوید....

«تحیت» در لغت از ماده «حیات» و به معنای دعا برای حیات دیگری کردن است؛ خواه این دعا به صورت «سلام علیک»؛ (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا «حِیَاکَ اللهُ» (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن باشد، ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن با یکدیگر می کنند شامل می شود که روشن ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است.

ولی از پاره ای روایات و تفاسیر استفاده می شود که اظهار محبت های عملی نیز در مفهوم «تحیت» داخل است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر و امام صادق (ع) چنین نقل شده که: «منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه نیکی کردن است». چنانچه در روایتی در کتاب مناقب چنین آمده: کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن (ع) هدیه کرد، امام در مقابل آن، وی را آزاد ساخت و هنگامی که از علت این کار سؤال کردند، فرمود: «خداوند این ادب را به ما آموخته و این آیه را تلاوت نمود و فرمود: تحیت بهتر، همان آزاد کردن اوست»<sup>۱</sup>.

در روایات اسلامی تأکید زیادی به سلام کردن شده، چنانچه از رسول خدا (ص) روایت است: «سلام نامی از نام های خداست که آن را در زمین نهاده است. سلام را میان خودتان فاش کنید؛ زیرا مرد مسلمان وقتی به قومی گذر کند و بر آنها سلام کند و جوابش دهند، وی را بر آنها فزونی مرتبت است که سلام را به یادشان آورده است و اگر جوابش ندهند، کسی که از آنها بهتر و پاکیزه تر است، جوابش دهد»<sup>۲</sup>.

و نیز در حدیث دیگری فرمود: «کسی که پیش از سلام، آغاز به سخن کند، پاسخ او را نگوید و کسی را به اطعام خود نطلبید، پیش از آنکه سلام کند»<sup>۳</sup>. همچنین از امام صادق (ع) نقل شده که خداوند می فرماید: «بخیل کسی است که حتی از سلام کردن بخل ورزد»<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲.

<sup>۲</sup> . نهج الفصاحه، حدیث ۲۲۴۲، ص ۴۲۰.

<sup>۳</sup> . محمد باقر مجلسی، حلیه المتقین، ص ۳۴۹.

<sup>۴</sup> . عبدالله ممقانی غروی، سراج الشیعه فی آداب الشریعه، ص ۱۵۹.

در احادیث، آداب فراوانی دربارهٔ سلام وارد شده؛ از جمله اینکه سلام، تنها مخصوص کسانی نیست که انسان با آنها آشنایی خاصی دارد، چنانچه از پیامبر خدا سؤال شد کدام عمل بهتر است؟ فرمود: «اطعام طعام کن و سلام به کسانی که می شناسی و نمی شناسی بنما».

و نیز در احادیث وارد شده که سواره بر پیاده و آنها که مرکب گران قیمت تری دارند به کسانی که مرکب ارزان تر دارند، سلام کنند. گویا این دستور یک نوع مبارزه با تکبر ناشی از ثروت و موقعیت های خاص مادی است و این، درست نقطهٔ مقابل چیزی است که امروزه دیده می شود که تحیت و سلام را وظیفهٔ افراد پایین تر اجتماع می دانند و شکلی از استعمار و استعباد و بت پرستی به آن می دهند و لذا در حالات پیامبر (ص) می خوانیم که ایشان به همه حتی به کودکان سلام می کرد<sup>۱</sup>. چنانچه در روایتی از آن حضرت است: «از پنج چیز تا هنگام مرگ دست بر نمی دارم؛ ... به کودکان سلام کردن تا اینکه پس از من برای مردم سیره و سنت شود»<sup>۲</sup>.

البته این سخن، منافات با دستوری که در بعضی از روایات وارد شده که افراد کوچکتر از نظر سن بر بزرگتر سلام کنند، ندارد؛ زیرا این یک نوع ادب و تواضع انسانی است و ارتباطی با مسئلهٔ اختلاف طبقاتی و تفاوت در ثروت و موقعیت های مادی ندارد.

در پاره ای از روایات دستور داده شده که به افراد رباخوار، فاسق، منحرف و مانند آن سلام نکنید و این خود، یک نوع مبارزه با فساد است، مگر اینکه سلام کردن به آنها وسیله ای باشد برای آشنایی و دعوت به ترک منکر.

ضمناً باید توجه داشت که منظور از تحیت به احسن، آن است که سلام را با عبارات دیگری مانند «و رحمه الله» و «و رحمه الله و برکاته» تعقیب کنند. در تفسیر در المنثور آمده است: شخصی به پیامبر خدا (ص) عرض کرد: «السلام عليك» آن حضرت فرمود: «السلام عليك و رحمه الله»، دیگری عرض کرد: «السلام عليك و رحمه الله»، فرمود: «عليك السلام و رحمه الله و برکاته»، فرد دیگری گفت: «السلام عليك و رحمه الله و برکاته»، حضرت فرمود: «و عليك» و هنگامی که سؤال کرد که چرا جواب مرا کوتاه بیان کردید، فرمود: «قرآن می گوید: تحیت را به طرز نیکوتری پاسخ گوید، اما تو چیزی باقی نگذاشتی». در حقیقت، پیامبر (ص) در مورد نفر اول و دوم، تحیت به نحو احسن گفت، اما در مورد شخص سوم، به مساوی؛ زیرا جملهٔ عليك، مفهومش این است که تمام آنچه گفتی بر تو نیز باد<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup>. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۵.

<sup>۲</sup>. سید محمد حسین طباطبایی، سنن النبی (ص)، ص ۴۸.

<sup>۳</sup>. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۶.

### نتیجه:

«سلام» نامی از نام های خدای تعالی است که در میان خلق خود به ودیعت نهاده تا در داد و ستد، نگهداری امانات و روابط با هم و صدق همنشینی و معاشرتشان به کار برند.

بی شک، سلام کردن و برخورد خوب یکی از درهای مهم در برقراری روابط اجتماعی سالم می باشد که مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است. واژه «سلام» که در قرآن به صورت گسترده به آن پرداخته شده، نشان دهنده اهمیت این سنت شریف نزد خداوند می باشد.

در واقع، در «سلام» مفهوم سلامتی و ایمنی نهفته است و به مخاطب اطمینان می دهد که طرف مقابل قصد صحیحی در آغاز رابطه با او در نظر گرفته است. در این صورت، مخاطب نیز این پیام را دریافت می نماید و در صورت تمایل، دو طرف رابطه اجتماعی جدید و کوچکی تشکیل می شود. ضمن این که سلام، روح تعاون و همکاری و همدلی را بین مسلمانان افزایش می دهد و همچون شعار و علامتی جهت شناخت جوامع اسلامی از دیگر جوامع می باشد. لذا قرار دادن این سنت در میان مسلمانان نشان دهنده اهمیت دین اسلام به برقراری رابطه صحیح و سالم در جامعه اسلامی است.

به امید اینکه جامعه اسلامی ما با پاس داشت و احیای این سنت شریف در میان خود، روابط بین خویش را محکم ساخته تا از این طریق به پاداش های معنوی و آخروی دست یابند.

## منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه: ترجمه محمدتقی جعفری تبریزی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۳. نهج الفصاحه، تصحیح و تنظیم: عبدالرسول پیمانی، محمدامین شریعتی، خاتم الأنبياء، ج ۲، ۱۳۸۵.
۴. بروجردي، سيد ابراهيم: تفسير جامع، ج ۵ و ۷، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۴۰.
۵. جرجانی، حسین: تفسير جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسير گارز)، ج ۵، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۶. حسینی شاه عبد عظیمی، حسن: تفسير اثني عشری، ج ۱۱، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳.
۷. حسینی همدانی، سیدمحمد: تفسير انوار درخشان، ج ۸ و ۱۵، کتابفروشی لطفی، تهران، ۱۳۸۰.
۸. خزاعی نیشابوری، حسین: روض الجنان و روح الجنان فی تفسير القرآن، ج ۱۲، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۹. دستغیب، سید عبدالحسین: قلب قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
۱۰. شریف لاهیجی: شیخ علی، تفسير شریف لاهیجی، ج ۱، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۶۳.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمد حسین: تفسير المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۰ و ۲۷، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۲. طباطبائی، سیدمحمد حسین: سنن النبی (ص)، ترجمه و تحقیق: محمدهادی فقهی، اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۵.
۱۳. طبرسی، شیخ علی: تفسير مجمع البیان، ج ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۴ و ۲۷، مترجمان، سیدابراهیم میرباقری، دکتر احمد بهشتی و...، تهران، انتشارات فرهانی، ۱۳۶۰.
۱۴. طیب، سیدعبدالحسن: تفسير اطياب البیان فی تفسير القرآن، ج ۱۲، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۶۶.
۱۵. کاشانی، ملافتح الله: منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵ و ۱۹، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۴۴.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر: تفسير نمونه، ج ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۲۷، دار الکتب اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۷. مجلسی، محمد باقر: بحار الأنوار، ج ۷۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۸. مجلسی، محمد باقر: حلیه المتقین، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۹.
۱۹. ممقانی غروی، عبدالله: سراج الشیعه فی آداب الشریعه، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۴۶.
۲۰. فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۱۵، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۳.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۲	تاریخچهٔ سلام در اسلام
۳	سلام، تحیت بزرگ اسلامی
۵	سلام هنگام ورود به خانه
۶	سلام نام خدا
۷	سلام نام بهشت
۸	سلام پیامبران (ع)
۸	- سلام خدا به حضرت نوح (ع)
۹	- سلام به نوح (ع) هنگام فرود آمدن از کشتی
۱۰	- سلام خدا به حضرت ابراهیم (ع)
۱۰	- سلام فرشتگان به حضرت ابراهیم (ع)
۱۱	- سلام به ابراهیم (ع) برای رهایی از آتش
۱۲	- سلام حضرت عیسی (ع)
۱۲	- سلام بر رسول خدا (ص)
۱۳	- سلام بر آل یس (ع)
۱۴	سلام مؤمنان
۱۴	- سلام خدا بر مؤمنان
۱۵	- سلام پیامبر (ص) بر مؤمنان
۱۶	- سلام فرشتگان بر مؤمنان
۱۶	سلام بر مؤمنان در شب قدر
۱۷	سلام به خاطر اعمال نیک
۱۷	سلام در برابر صبر و بردباری
۱۸	- سلام مؤمنان به یکدیگر
۱۹	- سلام مؤمنان بر جاهلان
۲۰	سلام به معنای وداع
۲۰	- سلام ابراهیم (ع) به پدر
۲۰	- سلام پیامبر (ص) به دشمنان
۲۱	نتیجه
۲۲	منابع و مأخذ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ «سلام» در قرآن

پژوهشگر:

اکرم سادات سیدی تبار

کارشناسی سطح دو حوزه علمیه

عضو انجمن بانوان محققان

نشانی: شهرستان آران و بیدگل، میدان آزادگان، بلوار مطهری، جنب دبستان شهید هاشمیان،

کوی حکمت چهارم. کد پستی: ۸۷۴۱۶-۵۴۷۱۸ ☎ ۲۷۵۳۷۶۰ / ۰۳۶۲ همراه: ۰۹۱۳۱۶۳۴۶۵۷

مهرماه ۱۳۹۱

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.